

رویزونیسم را در هر پوششی افشا و طرد کنیم

رزمندگان و

مسئله رویزونیسم و سوسیال امپریالیسم شوروی

"انترناسیونال دومین میخواسد برضد پورتونیسیم مبارزه کند، طرفدار ریح با آن بود برای تقویت آن امکان بوجود آورد. انترناسیونال دومینست به پورتونیسیم سیاست سازتکارانه در پیش گرفت و خود هم پورتونیسیتی شد."

(تاریخچه حزب بلشویک، صفحه ۲۶۷)

چرا ما علیه رویزونیسم مبارزه می کنیم؟ ما مبارزه می کنیم زیرا بدون این مبارزه سرد علیه بورژوازی و امپریالیسم غیر ممکن است و غیر ممکن است چرا که رویزونیسم و پورتونیسیم مباحثه یک خط مشی بورژوازی در مبارزه طبقه کارگری پرولناریا را خنثی و خرابکاری میکنند و متکوندان این مبارزه را به کجراه و انحراف بیکتاند. رویزونیستها در پی آن میباشند تا از طریق بد اخلاط کثافتن حزب کمونیست، طبقه کارگر و سوسیالیست ها را از انقلاب جلوگیری سود و حاکمیت بورژوازی را نماند و بخشد. آنان در شورای و در عمل آگاهانه سعی و فعه میکنند تا طبقه کارگر به راه نادیده بعد از بورژوازی تبدیل گردد. آری ما علیه رویزونیسم مبارزه میکنیم زیرا مخالف سرحت سازش با رویزونیسم میباشیم. رویزونیسم با نفوذ در درون جنبش کمونیستی و سازمانهای آن در پی سه تلاشی کثافتن ایدئولوژی و سیاست پرولناری میباشند رویزونیسم در پی تبدیل شکل کمونیستی به شکلی را مومی خطر برای بورژوازی میباشد. روشن است که استعلا و رویزونیسمی - بورژوازی سازشهای ضمن کمونیستی بیک راه صورت بخواد گرفت. رویزونیسم همچون خوردهای به جان شکل کمونیستی می افتد. در ابتدا آهسته آهسته در انکال نامرئی و بیخنده در درون جنبش و شکل آن نفوذ میکنند و سپس به نمرض میپردازد اولین اقدام انحراف رویزونیسمی زدودن نیسری میباشند و میانی ایدئولوژیک علیه رویزونیسم است. انحراف رویزونیسمی روحیه سازگاری و دمازی با خطر رویزونیسمی را بوجود می آورد و دامن میزند. رویزونیسم بر زمینه سازتکاری در برابر خطر عظیم رویزونیسم و سوسیالیسم و سوسیالیسم را از استمرار سازتکاریها، شکیبها، دمازیها و فقدان مبارزه ضد رویزونیسمی با یکدیگر، رشد میکنند و علیه میباشند. سیاست و روش سازتکارانه در مقابل رویزونیسم و پورتونیسیم، زمینه ساز تبدیل سازمان کمونیستی به سازمانی ضد انقلابی و رویزونیسمی میباشند. حاکمین این سیاست سازش، روشنفکران خرده بورژوازی میباشند که تا راهی متکبوت لیبرالیسم مغزوفکران آن را در چنگال خود میفشارد، روشفکرانی که به ما رکسیم - رویزونیسم لمداده اند و توفیق مبارزه ای سرخست در راه آن زمان کمونیسم را به التها ب نمیکند. در بیطن تفکر آن ایده سازش بین ایدئولوژی کمونیستی و ایدئولوژی بورژوازی نهفته است. آنان میخواهند با لیبرالیسم، بین پرولناریا و بورژوازی پلی برقرار کنند. آنان همزیم سازش رویزونیسم میباشند. این روشفکران خرده بورژوازی از من خود رویزونیسم را پرورش میدهند و زمینه تحفظ خود و سازمان کمونیستی را فراهم میمانند. آنان از سیاست سازش با رویزونیسم به بردها رویزونیسم در میغلند. این سر نوشت مستوم هر سازمان و جریانی است که نسبت به پورتونیسیم و

طبقه و توده ها ترا پی بقای نظام مکن را فرا هم میسازد.

کسانی که میگویند ما زیاد روی میکنیم سعی نمودن و با نمی خواهدند فهمند که انقلاب پرولناریا منصف تحت رهبری طبقه کارگر و پرولناریا یک منی پرولناری میسر است و تضمین این رهبری و این خط مشی تنها در مبارزه همه جانبه علیه دشمنان حکار طبقه کارگر و دشمنان آنتی بنا پذیرا ایدئولوژی ما رکسیمی - لنینیتیست است. امکان پذیرا است. بورژوازی برای اینکه از انقلاب جلوگیری نماید میگوید تا با تعرض علیه ما رکسیم به فساد کثافتن ایدئولوژیک طبقه کارگر و محروم نمودن این طبقه از ما رکسیم لنینسیم، از تحق و امر انقلاب مناعت بعمل آورد. سلاح ایدئولوژیک بورژوازی علیه ما رکسیم لنینسیم و رویزونیسم است. بورژوازی با انکا به رویزونیسم میگرداند تا پرولناریا را با انکا دادند. ایدئولوژیک خود در آ و در راه و در انکا در روزا شده خود سما بد. او میداند که تنها ما رکسیم لنینسیم است که طبقه کارگر را بطور آسانی با بد و بد و در راه و انکا علیه سیستم طبقاتی وجوده تحک و امتداد و توده همین خا بطر او میگرداند و روح خط کمونیستی به دامن سوده ها. سما فوجا جلوگیری بعمل آورد. بر اساسی بورژوازی در مقابل ما خط ما رکسیمی رویزونیسمی که بند دما خط ما رکسیمی است.

"سها خط ما رکسیمی در جنبش کارگری جهانی این است که سوده ها اجناس با بد و تروم برین را با رویزونیسم را توضیح دهد و آن را برای انقلاب سوسیالیست کارگرمی یک مبارزه محبت علیه ایور - رویزونیسم آگاهانه است." (لنین - امپریالیسم و انقلاب در سوسیالیسم) بنا بر این خط ما رکسیمی طرفدار انقلاب است و دشمن ایدئولوژی بورژوازی یعنی پورتونیسیم و رویزونیسم میباشند. به همین لحاظ است که بورژوازی با انکا به رویزونیسم به جنگ پرولناریا میروند و پرولناریا نیز با انکا به ما رکسیم لنینسیم به جنگ بورژوازی میروند. پرولناریا میداند که انقلاب پرولناریا منصف فقط به انکا سوسیالیسم علمی میسر است و به همین خاطر او نمیتواند بطور مستمر علیه رویزونیسم مبارزه کند. کسانی که میگویند ما زیاد روی میکنیم نمی فهمند و یا نمیخواهند فهمند که بدون مبارزه ضد پورتونیسیتی و ضد رویزونیسمی لنین کمپریاریسم توسط عمل بورژوازی یعنی پورتونیسیتیهای انترناسیونال دومین و فوجا کشته و دیکتا توری پرولناریا هرگز نمیتوانست استقرار پیدا نماید. چرالنین میگفت: "اگر پورتونیسیم در جنبش طبقه کارگر کلا شکست نخورد، دیکتا توری پرولناریا نمیتواند بوجود آید." (انتخابات مجلس موسان و دیکتا توری پرولناریا)

زیرا بر بنشین ها و کاتوشکی ها... آموزش اناسی ما رکسیم یعنی دیکتا توری پرولناریا ایدست فراموشی سپرده و کلا ملبدان غیانت ورزیده بودند. آنان به دیکتا توری و دمگراسی بورژوازی سجده گوید و دیکتاتور بی پرولناریا را سجده قلمداد مینمودند. مبارزه بیگیر لنین علیه انترناسیونال دوم جا زده اند. دستا دو با رفروغ تا بنا تک ما رکسیم و آموزش اناسی او دو با ره دیکتا توری پرولناریا را مبارزه پرولناریا را روشن سازد. او این طبقه را در راه کسب قدرت هدایت

رویزونیسم سیاست سازتکارانه در پیش بگیرد. هر چیزی با سازش با انکا به رویزونیسم سازش کند. سازش با خود به جبهه پورتونیسیم و رویزونیسم در خواهد غلنتید و به عامل و مجری سیاست بورژوازی ارتجاعی تبدیل خواهد شد.

به این ترتیب ما بنویسه خود علیه رویزونیسم مبارزه میکنیم زیرا مخالف سیاست سازش با رویزونیسم میباشیم. زیرا میگوئیم تا با سارا ستین طبقه کارگر و تنها ایدئولوژی انقلابی دوران ما رکسیم - لنینسیم میباشیم. ما علیه رویزونیسم میجنگیم زیرا در پی آنیم تا از توده شدن جنبش کمونیستی به انحرافات بورژوازی و خرده بورژوازی جلوگیری نمائیم. ما علیه رویزونیسم بیکار میکنیم زیرا میگوئیم تا طبقه کارگر را با ما رکسیم لنینسیم به تعرض همه جانبه علیه بورژوازی و ایدئولوژی او بر خا. به وجهت حرف فیرا میگردانیم تا بدین دوران ما لبسه رویزونیسم تعرض میکنیم زیرا نمیخواهیم فساد شده تویم و تک کثافتن سافع بورژوازی. آنیم اس آموری است که لنین برای ما و همه کمونیستهای جهان به میراث گذاشته است.

مبارزه بیگیر ضد رویزونیسمی زیاد روی

کسانی که دارای بر لول در برابر رویزونیسم میباشند و کسانی که هیچ مبارزه در برابر رویزونیسمی ندارند که سوده ها سازش کرده بگیرند که در این ربه از سر طبقه ای زیاد روی میکنیم (۱) حسن کسانی نمی فهمند و یا نمیخواهند فهمند که مبارزه جنبش سرگونی بورژوازی و امپریالیسم بطور لاینفکی با مبارزه علیه فریمیم، پورتونیسیم و رویزونیسم عین کشته است. چگونه؟ مگر نه اینکه در هم گشتن ما بین دولتی بورژوازی و سرگونی ارتجاع و امپریالیسم از طریق یک انقلاب فیرا میسر است؟ مگر نه اینکه برای تحق امر انقلاب میباشیم طبقه و سوده ها را به حول ایده انقلاب بسیج و متشکل و مسلح نمود؟ مگر نه اینکه ایده انقلاب در تمام دمریان با سیاست فرموسا سازش طبقاتی میباشند؟ مگر نه اینکه جواب تمام این پرسشها مثبت است؟ آری، با توجه به تمام این دلایل بورژوازی و امپریالیسم سرگونی نمیشوند مگر بقدت انقلاب سوده ها که خود را از سوم و گشتا فالت فریمیم و رویزونیسم خلاص کرده اند. به همین خاطر بود که لنین میگفت:

"خطرنا کترین افرا در راه پورتونیسیتی هستند که نمیخواهند به این نکته بی ببردند که اگر مبارزه علیه امپریالیسم بطور لاینفکی با مبارزه علیه پورتونیسیم و امپریالیسم سرگونی دروغ چیزی نخواهد بود." (امپریالیسم بمشابه با لترین مرحله سرما به داری)

دروغ و فریب است اگر جریانی بگوید برای آزادی و استقلال واقعی مبارزه میکنند، اما با فریمیم و رویزونیسم مزیندی حقیقی نداشتند. اینها و نیز برای آزادی و استقلال حقیقی بگوید برای در هم گشتن طبقه بورژوازی و امپریالیسم مبارزه میکنند، اما با سازش کاری و پورتونیسیم مزیندی روشن و انقلابی نداشتند. مانی سازش و رویزونیسم ارتجاع و امپریالیسم را سرگونی نمیکند، این منی از طریق به فساد کثافتن

نماید. راه‌نشینان دادگاهرا هکب قدرت سیاسی توسط پرولتا ربا از مبارزه و ریزش‌های گسترده میگذرد.

مبارزه علیه رویزونیسم از مبارزه علیه سوسیال امپریالیسم جدا نیست

با توجه به نام ما مثل فوق ما این آموزش کثیر لنین را با صدای رسا اعلام میکنیم که رویزونیسم دشمن اصلی و سرخند ما رکیسم لنینیسم می باشد. بدین معنی ما را با طرفداران مبارزه با رکیسم و رویزونیسم در دستور همسه کمونیستهای ایران و جهان قرار دارد. مبارزه علیه فروریزونیسم در تمام اشکال آن یعنی رویزونیسم خروشچی - برزنی، رویزونیسم چینی یا سه‌جانی، رویزونیسم سوسیالیستی و "کمونیسم اروپائی" مضمون اصلی مبارزه با ایدئولوژیک کمونیستها در عرصه جنبش مائزگسیستی لنینیستی جهانی را تشکیل میدهد. ولی مسئله‌ای که هرگز نباید فراموش کرد در پیوند با ما مثل فوق قرار دارد، تحولات ناشی از استقرار رویزونیسم در یکسری از کشورها می باشد عدم توجه لازم به این تحولات بنوعی خود ابراهات متعدد را بر سر راه آوردن و اسراستی جنبش بین‌المللی کمونیستی را هکرا هوق خواهد داد. با کمیت رویزونیسم در یک کشور صرفا یک انحراف برای جنبش کمونیستی نمی باشد. بلکه این امر بطور مستقیم خطری برای جنبش کمونیستی - کارگری جهان و جنبش خلقها را محاسبات می آید. امروز غلبه و تسلط کمیت کامل رویزونیسم بر دستگا حزبی دولتی شوروی متعجبان کرده که شوروی سوسیالیستی به شوروی سوسیالیستی - امپریالیستی تبدیل شود. ما سوسیالیست، دیدگانه‌سوری پرولتا ربا در شوروی و بازگشت بر مایه‌های ری سوسیالیستی و استقرار اقتصاد امپریالیستی، شوروی امروز را به یکی از دشمنان طبقه کارگر و خلقها تبدیل نموده است. شوروی امروز دیگر نیکیه‌گاو هوشیاران پرولتا ربا و خلقهای ستمدیده نمی باشد. شوروی امروز در حرف سوسیالیستی و در مایه‌های وجود خود امپریالیستی می باشد. ما بر این شوروی سوسیالیستی امپریالیستی امروز نگاه دشمنان جنبش کمونیستی و کارگری بین‌المللی می‌بندیم. همچنین دشمنان استقلال و آزادی خلقها به‌شمار می‌آید و اسراستی بین‌المللی پرولتا ربا نمیتواند این امر اساسی را محاسبه نماید.

بعلاوه با کمیت رویزونیسم در چین، این کشور را در صف دشمنان انقلاب طبقه کارگر قرار داد. رویزونیسم نیستی‌های سه‌جانی میگویند سوسیال امپریالیسم شوروی را بعنوان تنها دشمن طبقه کارگر و خلقهای جهان قرار داده و بر این پایه زمینه‌سازی طبقه‌سازی سوسیالیستی امپریالیستی را در جهان و ارتجاع بومی را فراهم می‌کند. رویزونیستی‌های متردبینی که بر اساس تئوری ارتجاعی "سه‌جانی" مبارزه و انقلاب اجتماعی را بطور کلی نفی کرده‌اند، امروزه فوج ترین میسلیین سا زین طبقه کارگر و خلقها با ارتجاع و امپریالیستی میباشند. امروزه انقلابیون حاکم بر چین در اتحادیه امپریالیستی با بلوک غرب خلقها را به‌شمار می‌آید. فراموش نباید که در کشور چین در دهه‌های اخیر رواج بسیار یافته که کارگران در کارخانه‌ها می‌باشند و با قدرت سیاسی در چین و پیوستن چین به فدا نقشه جهان را در اسراستی بین‌المللی پرولتا ربا تغییر دات محسوسی بوجود می‌آورد که دقیقا با به‌مورد توجه قرار گیرد.

بنا بر این مرزبندی کمونیستها نمیتواند به مرز

بندی علیه رویزونیسم خروشچی و... محدود می‌باشد. ضرورتا مبارزه طبقه کارگر و انقلاب خلقها حکم میکند که علیه سوسیال امپریالیسم شوروی به‌شمار بیکی از نیروهای امپریالیستی اردوگا هجانی دشمن نیست. مرزبندی نمود. پرولتا ربا با بد بطور دقیق تنها سبب قوای دشمنان و دوشمنان انقلاب را در عرصه جهانی معین نماید. هرگونه خطا و اشتباه در این زمینه ضربات مرگبار را متوجه جبهه انقلاب جهانی خواهد ساخت. ضرورت مرزبندی مبارزه علیه سوسیال امپریالیسم شوروی از همین امر ناشی میشود. سوسیال امپریالیسم همان رویزونیسم خروشچی نیست. اگر رویزونیسم خروشچی به‌شمار اردوگا مل از ما رکیسم لنینیسم شوروی را بر سر مایه‌های سون داد. سوسیال امپریالیسم میباشند. استقرار مایه‌های دولتی و اقتصاد امپریالیسمی میباشند که در عرصه جهانی بر علیه خلقهای تحت ستم به‌عمل می‌آید. عملی می‌تواند از طریق صدور سرمایه و تجارت با سرمایه‌داران و جغرافیای خلقها دست می‌زند. شوروی امروز به‌یک قدرت توسعه‌طلب و امپریالیستی در عرصه‌های جهانی و مناطقی نفوذ پیدا می‌کند و نوجوی راه خود را به‌شمار می‌آید و با بدین خاطر مبارزه فدا امپریالیسمی خلقها را از مبارزه علیه سوسیال امپریالیسم در هر دو سوسیالیسمی و رورسوسیالیسمی جدا می‌کند. سوسیال امپریالیسم در هر دو سوسیالیسمی و رورسوسیالیسمی با بدین معنی میباشند که در عرصه‌های جهانی و مناطقی نفوذ پیدا می‌کند و نوجوی راه خود را به‌شمار می‌آید و با بدین خاطر مبارزه فدا امپریالیسمی را از مبارزه علیه سوسیال امپریالیسم جدا می‌کند. سوسیال امپریالیسم در هر دو سوسیالیسمی و رورسوسیالیسمی با بدین معنی میباشند که در عرصه‌های جهانی و مناطقی نفوذ پیدا می‌کند و نوجوی راه خود را به‌شمار می‌آید و با بدین خاطر مبارزه فدا امپریالیسمی را از مبارزه علیه سوسیال امپریالیسم جدا می‌کند.

امپریالیسمی (و بدین فضا امپریالیسم آمریکا) می‌باشد. جهت اصلی این انقلاب متوجه ستم سرمایه‌داری و استبداد است. دولت طبقه‌ای با سدا ران و امپریالیسم جهانی و بخصوص امپریالیسم خونخوار آمریکا میباشند. بر واضح است که شوروی اگرچه دشمن عمده خلق ما نیست، ولی در جای امپریالیسم جهانی جزو دشمنان خلق و انقلاب ما بشمار می‌آید. پرولتا ربا یک طبقه انترناسیونالیست است و به همین جهت فقط علیه بخشی از امپریالیستی میا رزه نمیکند! و بطور بیکرا داده‌ها می‌دهند که مبارزه فدا امپریالیستی تمام غبار میباشند و بنا بر این پرواض است که طبقه کارگر در تعیین اسراستی خود در تعیین دشمنان انقلاب تندسوسیال امپریالیسم در جبهه بین‌المللی دشمنان انقلاب ایران قرار ندهد. آر جینش کمونیستی و کارگری ما تنها با بدیاری خط کنی روشن و صریحی علیه رویزونیسم خروشچی و... می‌تواند هم‌چنین میباشند برای مرزبندی قاطعی نسبت به سوسیال امپریالیسم باشد. لنینیسم و تزلزل در برابر رویزونیسم به تزلزل و وگوش در برابر سوسیال امپریالیسم می‌انجامد و وگوش در برابر رویزونیسم امپریالیستی سربرگردگی کامل را بوجود می‌آورد.

به تحولات جنبش ایران طی چند ساله اخیر نگاه کنیم، چگونه گروه منشعب از ما زمان چریک‌های فدا می‌خلق "در آنا" ۵۶ به رویزونیستی حزب بوده است؟ چگونه بخش اکثریت ما زمان چریک‌های فدا می‌خلق در دوره‌های جبهه رویزونیستیها در غلبه‌ای "غلت" اما سی

سقوط این جریانها چه چیز دیگری جز آشنی بارویزونیسم خروشچی میتوانست باشد؟ وگوشنگران خود بورژوا و نا پیگیری که به‌صفا رکیسم آنها آمده بودند، در حالیکه بدورا زدرک علمی از ما رکیسم و رویزونیسم قرار داد شدند، با رند مبارزه طبقه‌ای و تحولات ناشی از آن، و خشنود از انقلاب، صف خود را با پرورش از ما رکیسم جدا کرده‌اند. تقدیر به فقیرا رفتند تا با لایحه به‌سردا ب رویزونیسم در غلغله شدند. آری، رویزونیسم بر توهمات تفکرات لیبرالی، ما زشکارها و معاشات جوشیهای این روشنگران سوار شدند و آنرا به‌اره‌اره خودیست. اگر خوب ما دنیا وریم متوجه می‌شویم که ما زمان چریک‌های فدا می‌هیجگا هرک روش و روشنی از رویزونیسم ندا شد و یوسونه می‌می‌مکرو با ما سوسیالیسم حرکت کند. خط جزئی می‌گویند تا بین ما رکیسم لنینیسم و رویزونیسم بی‌سند خود با ملاحظ از "دوقطب جهانی کمونیستی" مستقل باشد. مضمون چنین سیاستی جزو آشنی بارویزونیسم جزید دیگری نمیتوانست باشد. ما با سوسیالیسم لنینیسم بودیم و رویزونیسم مرزبندی داشت و ما با بدیاری رویزونیسم آشنی داشت و علی‌گه کمونیسم ما نبود. خط مرکزی ما تخریب جزئی یا خط معاشات با رویزونیسم را دیدی که جزو سیمه‌های جیت بود که سرتو رویزونیسم نمیتوانست داشتند. سدا علیه رویزونیسم سرتو "گروه مسعت" و سخن اکثریت ما زمان چریک‌ها ساحتی سفاک ما سدا زش در گذر شد. همس ما سدا زش بود که بر ستر طبقه‌ای خود کراش رویزونیستی را رسد او اس جریا تا با ریه اردا دار ما رکیسم کند و همس اردا بود که حرکت این جریا تا رادرحدم سوسیال امپریالیسم رسد قرار داد. جریا تا رویزونیسم سدا اس موا ر د ختم نمیشود. رویزونیسم درسی وارد آوردن جریا تا - دیگرس و حسن کمونیستی ایران مساعفه همورا تقدیر ستمندگی دار د که رویزونیسم سدا اس دهد. رفقای "راه‌کارگر" و برخی دیگر از روشها می‌که ستر لربال تمیدا خطرناکی در برابر رویزونیسم سوسیال امپریالیسم ز خود دشمنان سده شد. "راه‌کارگر" از آنجا که در کج علمی و انقلابی از رویزونیسم سدا (۱) شوروی را یک کشور سوسیالیستی و در اس "اردوگا هوسالیستی" محاسبه می‌آورد و در نتیجه این قدرت امپریالیستی را پشتیبان انقلاب ایران معرفی می‌کند. سرتو سفاک بکریخسش اکثریت برای کل جنبش کمونیستی و بویژه برای این رفقا با بدست درس آموزا شد. اگر چنانچه ما با سسن کراش تا رویزونیستی مبارزه فدا فضا به‌شمار می‌آید. انحراف ایدئولوژیک طرفداران ساقوط ختمی خواهد بود. هر چند این سقوط بسرعت صورت نگیرد.

آنچه گفته شد پیش‌درآمدی بود برای طرح مسک مسئله اساسی، مسئله‌ای که مسئله مورد بحث ما در اینجاست. این مسئله بررسی انحراف رویزونیستی در جریان موسوم به "خط ۳" و بطور مشخص در رفقای "رزمندگان" میباشند. این انحراف بویژه خود را در تزلزل در برابر سوسیال امپریالیسم شوروی بنمایش می‌گذارد. سیر مواض رفقای رزمندگان در قبلا سوسیال امپریالیسم ما را در برابر این واقعیت تا سفا و رقرقا ر میدهد که تزلزلات رویزونیستی در این سال زمان رسد نموده است که تجلی کنونی خود را در رفقای امپریالیستی بسودن شوروی مظاهر می‌سازد. چگونه؟

(۱) ادا شده (رد)

(۲) - ما این مسئله را در نوشته خود بنام "راه‌کارگر در برابر رویزونیسم و در قلم رویزونیسم" مورد نقد و بررسی قرار داده‌ایم (رجوع شود به ضمیمه یک برگ ۵۸)